

تشکل‌های سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی (س)

نوراله قیصری^۱

سید جلال‌الدین فاطمی^۲

چکیده:

عمومی شدن، مردم‌سالاری در جهان کنونی، ضرورت‌ها و الزاماتی به همراه داشته است و اگرچه برخی جزء مقتضای ذات عمومی شدن و مردم‌سالار شدن سیاست و رژیم‌های سیاسی نیست، لکن در استقرار و تدوام این وضعیت موثر است. سازمان‌یافتگی فعالیت‌های سیاسی از جمله ضرورت‌هایی است که به اشکال گوناگون در فضای عمل سیاسی نمود می‌یابد. تشکل‌های سیاسی گونه‌هایی از این سازمان‌یابی است. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (س) به حکومت دیکتاتوری وابسته در ایران پایان بخشید و با تأسیس نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر و ملهم از آموزه‌های اسلام عصری نو را در سیاست، در جهت تحقق خواست عمومی مردم بنیان گذاشت. نکته حائز اهمیت این است که از آغاز و در فرایند تأسیس نظام اسلامی، در مورد تشکل‌های سیاسی، ماهیت و نوع عمل و ساختار و نقش و جایگاه آن‌ها، در افکار عمومی پرسش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی مطرح شد. آنچه هم اکنون بعد از گذشته سه دهه از تأسیس نظام اسلامی همچنان مطرح است. هدف این مقاله پرتو انداختن بر وجوه و ابعاد ناشناخته و ابهامات مربوط به احزاب و تشکل‌های سیاسی از طریق تبیین دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (س) است. روش به‌کار رفته در این پژوهش اکتشافی و تحلیلی با بهره‌گیری از امکانات تحلیل گفتمان است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی (س)، تشکل سیاسی، حزب، گفتمان سیاسی، جمهوری اسلامی.

Email: ngheisari@ut.ac.ir

۱. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. دانش‌آموخته رشته علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

Email: jfatemi@gmail.com

مقدمه

تشکل‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی در یک ساختار سیاسی مردم‌سالار، از جمله عوامل و ویژگی‌های مؤثر در ظهور و بقای آن ساختار سیاسی به شمار می‌روند. در این پژوهش قصد بر این است تا پس از طراحی، تشریح و تبیین فضای گفتمانی امام^(س) به بررسی و تحلیل تشکل‌های سیاسی در فضای مطروحه پردازیم. پرسش‌های این پژوهش عبارت است از: گفتمان سیاسی امام^(س) چگونه صورت‌بندی شده است و محوریت این گفتمان را چه عنصری شکل می‌دهد؟ و اینکه آیا در گفتمان سیاسی حضرت امام^(س) تشکل و حزب سیاسی اجازه حضور و فعالیت دارد؟ همچنین اینکه تشکل، گروه و حزب سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی^(س) دارای چه انواع، ویژگی‌ها و مختصات می‌باشند؟

فرضیه این پژوهش این است: «از آنجایی که مردم‌سالاری یکی از ارکان مستحکم و پایدار در اندیشه و گفتمان سیاسی امام خمینی^(س) به شمار می‌رود، حضور و فعالیت آزادانه تشکل‌های سیاسی در چارچوب ضوابط قانون اساسی و منطبق با مصالح حکومت اسلامی مجاز است؟» به‌طور کلی در نگرش ایشان امر سیاسی و کنش سیاسی سازمان‌یافته، منحصر به گروه، جناح، و یا صنف خاصی نیست بلکه همه مردم حق مشارکت در تمامی امور سیاسی کشور را دارند، مگر در مواردی که این فعالیت‌ها با مصالح اسلام و جمهوری اسلامی و ملت ایران در تضاد باشند.

با گذشت ایام و ضرورت ایجاد تشکل‌های سیاسی منطبق با روح قانون اساسی و در چارچوب منافع ملی و مصالح نظام اسلامی و در راستای تحکیم مردم‌سالاری دینی این نیاز اساسی و جدی است تا نگرشی دوباره بر ابعاد مفهومی تشکل‌ها، گروه‌ها، جناح‌ها، و احزاب سیاسی در اندیشه و گفتمان سیاسی امام^(س) صورت پذیرد و مختصات تشکل سیاسی مطلوب و اشکال منحرف آن در نظام سیاسی اسلامی، مبتنی بر گفتمان سیاسی امام^(س) تبیین گردد؛ همچنین آن بخش از زوایای اندیشه‌های سیاسی امام^(س) در باب تشکل‌های سیاسی که تاکنون مغفول مانده است نمایان گردد تا برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این عرصه، راهنما و ضوابط مطلوب به دست داده شود.

۱. ضرورت و اهمیت تشکل و تحزب

اندیشمندان سیاسی انسان را مدنی‌الطبع می‌دانند. آن‌ها اقتضای طبع و فطرت انسان را در فهم فردی و جمعی و نیاز اولیه یا ثانویه به کار جمعی، و براساس طبیعت انسانی می‌یابند. هر فردی نیز براساس فطرت حق خواه، به فواید کار دسته جمعی، منظم، برنامه‌دار و با مدیریت برگزیدگان اعتقاد دارد و زیان کار پراکنده و بی‌برنامه و بی‌نظم را در عمق فطرت خود به‌طور غریزی می‌فهمد و آن را باور دارد. در اسلام فلسفه تحزب، تجمع برای خداست و انجام مطلوب و بهتر تکلیف الهی در وظایفی است که برعهده افراد و فرد مسئول می‌باشد. انگیزه فرد از ورود به حزب، انجام وظیفه شرعی است و نیت او باید تقرب به خدا باشد نه قرابت به قدرت، مقام و شهرت. لذا حزب اسلامی، به خدا دعوت می‌کند نه به خود، و همه‌چیز و همه را برای خدا می‌خواهد و برای سعادت و خوشبختی انسان‌ها در پهنه جهان هستی جهاد و ایثار می‌نماید. در واقع در حزب اسلامی سعی می‌شود بهترین خدمات به مردم دنیا تقدیم شود؛ زیرا بر مبنای حدیث نبوی، دوست‌داشتنی‌ترین فرد نزد خداوند متعال کسی است که به مردم بیشترین سود را برساند. حزب خدا محور اسلامی در خیرات براساس عدالت و قسط برادرانه با دیگر احزاب اسلامی رقابت دارد و با آن‌ها (به جز حزب الشیطان) تعادل، مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز و گفتمان هدایت‌گرانه دارد (بادام‌چیان، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۲).

۲. مفاهیم

تشکل:

واژه تشکل از نظر لغوی از باب تفاعل با مفهوم تحقق فعل است و معنای شکل یافته دارد. در واقع لغتی عربی است که در فارسی هم به کار می‌رود (بادام‌چیان، ۱۳۸۹: ۲۳). در لغت‌نامه دهخدا برای واژه تشکل، عناوینی چون صورت گرفتن چیزی و یا نیم‌رس شدن انگور آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۹۱۴).

همچنین با مراجعه به فرهنگ فارسی عمید برای واژه تشکل با معانی چون شکل پیدا کردن، صورت پذیرفتن، به صورتی در آمدن، خوب صورت شدن مواجه می‌شویم (عمید، ۱۳۶۳، ج ۵۷۹:۱). در فرهنگ معاصر عربی-فارسی آذرنوش نیز برای واژه تشکل با معانی چون شکل گرفتن، صورت یافتن، درست شدن، تشکیل شدن، سازمان یافتن، ایجاد شدن، گوناگون بودن، متنوع بودن، متغیر بودن، تغییر تدریجی کردن تجسد یافتن، صورت هادی گرفتن، واقعیتی یافتن... برخورد می‌نماییم. (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۳۴۰). در فرهنگ‌های لغات انگلیسی نیز برای واژه تشکل، organization را آورده‌اند (امامی، ۱۳۸۵: ۲۴۲).

تعریف عام تشکل نیز عبارت‌اند از: گروه یا مجموعه‌ای از افراد که براساس آرمان و هدفی معین برای مدت زمانی کوتاه یا بلند گرد هم می‌آیند؛ یا به عبارتی گردهمایی و اجتماعی از افراد که جهت دستیابی به اهداف به برنامه‌ریزی می‌پردازند. در واقع تشکل، عنوانی عام برای همه گروه‌ها و دسته‌جاتی است که در حوزه‌ها و زمینه‌های گوناگون از قبیل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... اجتماع نموده و به فعالیت می‌پردازند.

تشکل سیاسی

منظور از تشکل‌های سیاسی همه انواع دسته‌جات سیاسی می‌باشد (بادامچیان، ۱۳۸۹: ۲۳). یا تشکل سیاسی عبارت است از:

مجموعه‌ای از افراد که براساس باور و دیدگاه‌های مشترک سیاسی گرد هم می‌آیند تا بتوانند زمینه را برای رشد کارگروهی و شکوفایی استعدادها و شناخت کادرهای سیاسی و تربیت آن‌ها و تهیه برنامه و قبول مسئولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند (عنایتی، ۱۳۷۷: ۱۵).

درواقع می‌توان گفت که تشکل سیاسی مفهومی عام و کلی است که بیشتر گروه‌هایی که در عرصه سیاسی فعالیت دارند و یا خود را با عنوان سیاسی می‌شناسانند، تعریف می‌کند. از جمله این گروه‌ها می‌توان به حزب، دسته، گروه، انجمن، امت، سازمان، جامعه، مجمع، جمعیت، جبهه، جنبش، باند،

فرقه، جناح، نهضت، کانون و... اشاره نمود. نکته حائز اهمیت در تفکیک میان این گروه‌بندی‌ها این است که برخی از آن‌ها ممکن است دارای سازمان رسمی، مرام‌نامه و برنامه‌های مشخص اجرایی باشند مانند احزاب سیاسی یا جناح‌های سیاسی و یا اینکه فعالیت‌های خود را طبق یک برنامه پنهان کارانه، مخفی نگه داشته باشند، مانند گروه‌های فشار، گروه‌های ذی نفوذ و...

در میان تشکل‌های سیاسی موجود، حزب بنا به اهمیت نقش و کارکردهایی که در نظام‌های مردم‌سالار دارد، جایگاهی ویژه دارد. واژه حزب در انگلیسی Party و در فرانسه parti نامیده می‌شود. اصولاً حزب یک واژه عربی است که بهترین معادل آن را در فارسی گروه یا دسته به کار می‌برند. (تبریزنیا، ۱۳۷۱: ۲۵). در فرهنگ فارسی عمید برای معادل واژه حزب با معانی چون گروه، دسته، گروهی از مردم که دارای مرام و مسلک معینی باشند مواجه می‌شویم (عمید، ۱۳۶۳: ۷۹۰). همچنین در لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین واژه حزب در تعریف گروه سیاسی آمده است (معین، ۱۳۶۴: ج ۱؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۶، ۸۹۰۸). اما در معنی اصطلاحی، برخی حزب را تجمع گروهی می‌دانند که بر اندیشه و هدف واحدی توافق داشته باشند و از آن با حمیت دفاع می‌کنند (مصطفوی، بی‌تا، ج ۲: ۲۲۲). در قرآن کریم به کرات از حزب الله^۱ و حزب الشیطان^۲ سخن به میان آمده است و اعضای حزب خدا به سعادت و نیک‌فرجامی و اعضای حزب شیطان به سرانجامی بد و تاریک وعده داده شده‌اند (ایوبی، ۱۳۸۲: ۳۶).

از آنجا که ظهور مفهوم حزب به شکل مدرن آن به کشورهای اروپایی برمی‌گردد با ارجاع به منابع غربی به تعاریفی چند از آن دست خواهیم زد. حزب سیاسی را لئون اپستین این گونه تعریف می‌کند: «حزب سیاسی عبارت است از هر نوع گروهی ولو با سازماندهی ضعیف، که درصدد انتخاب مقامات حکومتی تحت یک عنوان معین باشد» (Epstein, 1967, p.9).

۱. مانده: ۵۶؛ مجادله: ۲۳ و ۲۲

۲. مجادله: ۲۰-۱۹؛ فاطر: ۶

احزاب سیاسی را می‌توان جریاناتی در جست‌وجوی یافتن برنامه‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی تازه برای بیان آرمان‌های شهروندان و تحقق این آرمان‌ها دانست (Borgatta, 1992, p.1485) به‌زعم کی لاوسون احزاب به‌مثابه جریاناتی جهت تقویت و تحکیم پیوندهای میان شهروندان و سیاست‌سازان تلقی می‌شوند (Lawson, 1980). به اعتقاد وبر احزاب در حوزه و قلمرو قدرت قرار می‌گیرند. اعمال و فعالیت‌های آن‌ها معطوف کسب قدرت اجتماعی است... مهم نیست که محتوای آن چه چیزی باشد، یا به چه چیزی منجر خواهد شد (weber, 1968, p.938). شوپیتز نیز معتقد است که احزاب، تشکیلات و سازمان‌هایی هستند در دست‌نخبگانی که در جریان انتخابات به منظور کسب حق حاکمیت برای مدتی معین به رقابت و مبارزه می‌پردازند (Schum peter, 1975). سارتوری نیز در تعریف خود حزب را عبارت از یک گروه سیاسی می‌داند که دارای یک عنوان رسمی است و در انتخابات شرکت کرده و این امکان و توانایی را دارد که از طریق انتخابات، نامزدهای مورد نظر خود را در رأس پست‌ها و مناصب عمومی جامعه قرار دهد (Sartori, 1976, p. 63). لاپالمبارا و واینر تعریفی از احزاب جدید به‌دست می‌دهند که متضمن چهار شرط اساسی بوده و مورد قبول بیشتر نویسندگان قرار گرفته است. این چهار شرط عبارت‌اند از اینکه نخست حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایدار است؛ دوم آنکه تشکیلات حزبی دارای سازمانی مستقر در محل همراه با زیرمجموعه‌هایی باشد که در سطح ملی فعالیت دارند؛ سوم آنکه اراده رهبران ملی و محلی سازمان بر کسب قدرت استوار باشد؛ چهارم آنکه حزب باید در پی کسب حمایت عمومی به‌ویژه از طریق انتخابات باشد (Lapalombara and weiner, 1966, p.6). حزب سیاسی مرکب است از گروهی از مردم که با هدف به‌دست آوردن قدرت حکومت از راه انتخابات یا از راه‌های دیگر سازمان یافته‌اند (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۵۵).

گفتمان

واژه گفتمان که سابقه آن در برخی منابع به قرن ۱۴ میلادی می‌رسد، از واژه فرانسوی^۱ و لاتین^۱ به معنی گفت‌وگو، محاوره، گفتار و از واژه discusum/discurrer به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل

^۱discours

ورزیدن و... گرفته شده است (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۰). این واژه از جمله اصطلاحاتی است که به‌رغم کاربرد زیاد آن، توافق چندانی دربارهٔ سپهر معنایی آن وجود ندارد. از این واژه گاه برای اشاره به طرز تلقی، نگرش و در مجموع اندیشه‌های یک فرد استفاده می‌شود. به عنوان مثال گفته می‌شود گفتمان افلاطون، گفتمان مارکس. گاه آن را برای اشاره به طرز تلقی و یا دیدگاه یک نشریه اعم از روزنامه و یا مجله علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد (وان دایک، ۱۳۸۲: ۲). به عنوان مثال زمانی که گفته می‌شود گفتمان نیویورک تایمز، گفتمان واشنگتن پست و یا گفتمان اطلاعات، گفتمان هم‌شهری و گفتمان کیهان، در این مثال‌ها، گفتمان اشاره به دیدگاه و مشی فکری این نشریات دارد. گاه این واژه به مجموعه‌ای منسجم از اندیشه‌هایی که با عناوین لیبرالیسم، سوسیالیسم، نومحافظه‌کاری و... شناخته شده‌اند، اشاره دارد؛ به عنوان مثال گفته می‌شود گفتمان نومحافظه‌کاری یا گفتمان نتولیرالیسم که البته تفاوت ظریفی با گفتمان لیبرال‌ها و گفتمان نومحافظه‌کاران و گفتمان سوسیالیست‌ها دارد (قیصری، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

از نظر منشاء گفتمان به نظریه‌های قدیم خطابه ارسطو، سیسرو و... باز می‌گردد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۷). اما به گونه‌ای دقیق‌تر نظریهٔ گفتمان اساساً در زبان‌شناسی متولد شد و تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. در سال ۱۹۵۲ زلیک هریس، زبان‌شناس ساخت‌گرای آمریکایی، بررسی واحدهای بزرگ‌تر را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامید. در تعریف کلی، و البته با رویکردی زبان‌شناختی می‌توان گفتمان را کلیت سامان‌دهی شدهٔ بزرگ‌تر از جمله تلقی کرد که مفاهیم درون آن به شکلی خاص مفصل‌بندی شده‌اند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۴). جفری لیچ و مایکل شورت برآنند که گفتمان مرادده‌ای است زبان‌شناختی، بده بستانی است بین‌گوینده و شنونده، فعالیتی که بین اشخاص به وقوع می‌پیوندد، فعالیتی بینا شخصی که فرم آن را هدف اجتماعی آن تعیین می‌کند (میلز، ۱۳۸۲: ۱۰). گفتمان از نظر فوکو عبارت است از تفاوت میان آنچه می‌توان در یک دوره

معین به صورت درست گفت و آنچه در واقع گفته می‌شود (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۱۲۲). توجه به محتوای تعاریف ارائه شده، نشان از برداشت‌های مختلف از این اصطلاح یا دانشواژه دارد. در میان تعاریف ارائه شده، تعریف وان دایک برای منظور این پژوهش مناسب‌تر است. بدین ترتیب که گفتمان را می‌توان مجموعه‌ای از تلقی، باور، دیدگاه، نگرش و اندیشه‌های فرد یا ... تلقی کرد. به عنوان مثال گفتمان افلاطون اشاره به دیدگاه‌ها، تلقیات و اندیشه‌های وی دارد و گفتمان امام خمینی^(س) نیز بیانگر دیدگاه‌ها، باورها و اندیشه ایشان در امور سیاسی می‌باشد.

۳. تحزب و تشکل سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی^(س)

براساس تعریفی که وان دایک از گفتمان ارائه می‌نماید که آن عبارت است از اشاره به طرز تلقی، نگرش و در مجموع اندیشه‌های یک فرد می‌باشد (وان دایک، ۱۳۸۲: ۲)، می‌توان گفتمان سیاسی را مجموعه تلقیات، نگرش‌ها، باورها و در مجموع اندیشه‌های اندیشه‌گران در باب امور سیاسی و مفاهیم اساسی آن از جمله تشکل و تحزب سیاسی تعریف نمود.

بنابر توضیح ارائه شده در باب گفتمان سیاسی، می‌توان گفتمان سیاسی امام خمینی^(س) را مجموعه نگرش‌ها، تلقیات، باورها و اندیشه‌های ایشان به شمار آورد که پس از درگذشت آیت الله بروجردی در سال ۱۳۴۱ شمسی، در قالب سخنرانی، مقاله، کتاب و مجالس مباحثه و مشاوره با دیگر علما، به جامعه ارائه نموده‌اند. در اینجا مرکزیت و محوریت گفتمان سیاسی امام^(س) اسلام سیاسی و یا حکومت اسلامی نامبردار گشته است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۷). در این خصوص تفسیر حضرت امام از اسلام و سنت و سیره پیامبر اکرم شایسته توجه است:

خدای تبارک و تعالی به وسیله رسول اکرم^(ص) قوانینی فرستاد که انسان از عظمت آن‌ها به شگفت می‌آید. برای همه امور قانون و آداب آورده است... همان طور که برای وظایف عبادی قانون دارد، برای امور اجتماعی و حکومتی قانون و راه و رسم دارد. حقوق اسلام یک حقوق مترقی و متکامل و جامع است... هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد... رسول

اکرم^(ص) در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشته بود تا دولت اسلام را به وجود آورد (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۷ و ۶).

از این رو در دستگاه گفتمانی و اندیشه‌ای ایشان هر امری از امور عمومی با ضابطه اسلام و مصالح نظام یا حکومت اسلامی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد و هیچ درکی در باب امور عمومی و از جمله حزب و تشکل سیاسی، بدون بهره‌گیری از اسلام و الزامات و اقتضات حکومت اسلامی، از گفتمان سیاسی ایشان قابل استنباط و استخراج نیست. ایشان در این باره با صراحت می‌فرمایند:

من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام. چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۳۲۶).

البته حضرت امام معتقد به تشکل و کنش سازمان‌یافته سیاسی بود. رهبری و مدیریت سیاسی ایشان در انقلاب شاهی بر این مدعا است. ایشان در آبان ماه سال ۱۳۵۷، در پاسخ پرسش نماینده سازمان عفو بین‌الملل در باب آینده ایران، که پرسید: «آیا حرکت کنونی ایران متشکل است و دارای یک تشکیلات می‌باشد؟» می‌فرمایند:

عملکرد نهضت ملت ایران نشانه وجود یک روح تشکیلاتی است که توانسته است جنبش را به مرحله کنونی برساند و به موازات نزدیک شدن جنبش به مرحله پیروزی نهایی، فرم تشکیلات قطعی‌تر و اعلام خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۴۳۵).

متشکل و هدف‌دار دانستن حرکت ملت ایران توسط امام^(س) خود نشان‌دهنده پذیرش اصل تشکل‌های سیاسی است، چرا که ایشان در اینجا حرکت ملت به سمت انقلاب را تشکیلاتی دانسته‌اند که دارای روح و انگیزه بوده و این تشکیلات سیاسی پس از پیروزی به گونه‌ای قاطع‌تر ادامه داشته و رسماً نیز مورد اعلام قرار خواهد گرفت.

در جمله معروفی که امام^(س) در جمع مسئولان حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۱ می‌فرمایند:

«این طور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد؛ میزان، ایده حزب است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۱۹۳).

پس پرواضح است که امام^(س) اصل تشکل و تحزب را در عرصه جامعه سیاسی به مثابه یک کنش گر سیاسی می پذیرد، اما آن چیزی که ملاک خوب یا بد بودن آن حزب قرار می گیرد، ایده آن حزب خواهد بود.

امام^(س) در ادامه همین سخنرانی ضمن پذیرش و تأیید اصل تحزب و تشکل، سابقه مقوله حزب را به ابتدای عالم هستی تسری داده و آن را به دو نوع الهی و غیر الهی یا شیطانی تقسیم می نماید: «از اول عالم تا حال دو حزب بوده است، یکی حزب الهی و یکی حزب غیر الهی و شیطانی» (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۱۹۱).

در سال ۱۳۵۸ امام^(س) به مناسبت روز قدس طی یک سخنرانی در جمع مردم، به تشکیل یک حزب عمومی در تمام دنیا به نام حزب مستضعفین ابراز امیداری کردند. این مطلب از یک سو پذیرش اصل حزب و تشکل از جانب امام^(س) را دربر داشته و از سوی دیگر به ماهیت آن که الهی و اسلامی است، اشاره می نماید:

روز قدس یک روز اسلامی است، و یک بسیج عمومی اسلامی بود. و من امیدوارم که این امر مقدمه باشد از برای یک «حزب مستضعفین» در تمام دنیا. و من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید، و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند، و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند... این نمونه باید به یک سطح وسیع تری، در تمام قشرهای انسان‌های تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین»، که همان «حزب الله» است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۲۸۰).

ایشان در ادامه ضمن پذیرش اصل تشکل و تحزب، تصریح می نماید که طرح حزب مستضعفین هیچ گاه محدودکننده فعالیت دیگر احزاب نبوده و همچنین به این معنی نیست که دیگر احزاب و تشکل های صحیح موجود اجازه فعالیت نداشته باشند. حتی علاوه بر تشکل ها و احزاب موجود در ایران،

حزب‌های مناطق مختلف نیز می‌توانند آزادانه به فعالیت پردازند. همچنین این شبهه که ایشان تنها فقط یک حزب را تأیید می‌نمایند نیز برطرف می‌کند و همه احزاب دارای ایده صحیح در سرتاسر مناطق، اجازه فعالیت می‌یابند.

و این نکته را باید تذکر بدهم که ما که گفتیم حزبی به نام «حزب مستضعفین» در همه دنیا، معنایش این نبود که حزب‌های صحیحی که در ایران هست نباشد. حزب‌های منطقه‌ای علی‌حده است و حزب تمام مناطق و تمام جاها یک حزب دیگر است. اگر ان‌شاء الله مسلمین موفق بشوند و یک همچو حزبی که «حزب مستضعفین» است، برای همه جاها یک همچو حزبی را تأسیس کنند، بسیار به موقع است؛ لکن [به] معنای این نیست که در محل و در منطقه‌ها حزب نباشد. خیر، در منطقه‌ها احزاب هستند و آزاد هم هستند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۳۳۹).

امام (س) چندی پیش از ورود به ایران، یعنی در تاریخ سوم دی ماه ۱۳۵۷ طی ارائه یک سخنرانی به مطلوبیت حزب اشاره نمودند که این می‌تواند تأییدی بر پذیرش اصل و اساس این پدیده باشد. ایشان مطرح می‌کنند که خوب است ما هم حزب داشته باشیم، اما احزاب پس از متشکل شدن به سبب تفکر غلطی که بر آن استوار و بنیان شده‌اند رویه دشمنی با یکدیگر را پیش می‌گیرند، درحالی که اساس حزب در غرب بر پایه تفکر صحیح بوده و هیچ‌گاه تخصمی با یکدیگر ندارند.

در مجلس انگلستان حزب کارگر داریم و حزب مثلاً کدآ؛ خوب ما هم خوب است داشته باشیم! اما آن‌ها یک جور دیگر فکر می‌کنند، این‌هایی که از آن‌ها اخذ می‌کنند یک جور دیگری فکر می‌کنند. این‌ها وقتی که با هم دو حزب تشکیل دادند، دو جبهه مخالف و دو جبهه دشمن تشکیل می‌دهند! این دشمن اوست، او هم دشمن اوست (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۲۷۶).

ایشان در جایی با اشاره به گونه‌ای دیگر از تشکل‌های سیاسی یعنی نهضت، حرکت جمعی خود را نهضت توأم با وحدت و انسجام نامیده است که به‌طور ضمنی می‌توان به پذیرش اساس و اصل تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام (س) دست یافت.

در راه که ما بودیم، این نهضتی که داشتیم در اول راه، این وحدت و این انسجام زیاد بود، محکم بود. یعنی اصل فکر اینکه «کی دشمن من است» هم نبود تو کار. همه یک نظر بود. اگر هم یک فکری بود خیلی در اقلیت بود. یک انسجامی بین ملت حاصل شد، گانه از یک حلقوم صدا درمی آید (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۵۱۹).

در گفتمان امام^(س) آزادی سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و مورد ارج واقع شده است. این آزادی سیاسی اعطا شده به تشکل‌های سیاسی خود اذعان‌کننده پذیرش اصل و اساس تشکل‌ها می‌باشد، چرا که در سایه پذیرفتن اصل این پدیده است که می‌توان به آن آزادی نیز بخشید. در این باب امام^(س) این گونه بیان می‌نماید:

هر گونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازند آزادند و اسلام در تمامی این شئون حد و مرز آن را تعیین کرده است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۶۶).

با استناد به جملات امام خمینی^(س) مشخص گردید که ایشان هیچ‌گاه با اصل و اساس شکل‌گیری تشکل‌های سیاسی در گفتمان خود مخالف نبوده و مانع روی کار آمدن آن‌ها نیز نمی‌شوند. پس اصل تشکل و تحزب در این گفتمان امری مورد تأیید و پذیرفته شده می‌نماید.

۳-۱. تعریف تشکل‌های سیاسی

امام^(س) به‌طور صریح و واضح تعریف خاصی از تشکل‌های سیاسی ارائه نمی‌دهد اما می‌توان با استفاده از سخنان ایشان، به تعاریف ضمنی در این رابطه دست یافت. ایشان در یک مصاحبه که از وی درباره متشکل بودن حرکت ملت ایران، معیارهای شایسته یک تشکیلات و لیاقت و استحقاق توانایی برای هدایت مردم سؤال می‌شود، در پاسخ حرکت ملت ایران را حاکی از یک روح تشکیلاتی که دارای هدف مشخص، رهبری مورد اعتماد و امین، آرمان‌ها و شعارهای منسجم و متحد می‌باشند دانسته است. [سؤال: آیا حرکت کنونی ایران متشکل است و دارای یک تشکیلات می‌باشد؟ شما چه معیارهایی را برای شایسته بودن یک تشکیلات مقرر می‌فرمایید؟ چه معیارهایی را مقرر می‌نمایید که نشان‌دهنده

شایستگی و لیاقت گروه یا گروه‌هایی باشد که پس از پیروزی، هدایت مردم می‌تواند به عهده آن‌ها باشد؟]

امام (س) الف) در بدترین شرایط اختناق و خفقان که بر ایران حاکم است، عملکرد نهضت ملت ایران نشانه وجود یک روح تشکیلاتی است که توانسته است جنبش را به مرحله کنونی برساند و به موازات نزدیک شدن جنبش به مرحله پیروزی نهایی، فرم تشکیلات قطعی‌تر و اعلام خواهد شد. ب) برخوردار از یک رهبری صد در صد مورد اعتماد و امین، داشتن شعارها و آرمان‌هایی که کاملاً تجسم‌دهنده خواسته‌های عموم مردم باشد، از معیارهای ضروری و اولیه است، و آن شعارها در مرحله کنونی، عبارت است از سرنگونی سلطنت پهلوی و برجیده شدن نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی. ج) نداشتن سوابق مشکوک و شناختن درست هویت جامعه ایرانی و آرمان‌های اساسی آن‌ها در ابعاد مادی و معنوی، تقوی و صداقت و درستی در عمل، قدرت رهبری و اداره امور و استقامت در مبارزه برای عقیده، شرایط اساسی برای هدایت مردم است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۴۳۵).

تعاریفی که از این عبارات به دست داده می‌شود بدین ترتیب خواهد بود:

در گفتمان امام (س) تشکل سیاسی عبارت است از اجماع و گردهمایی مردمی که علاوه بر برخوردار از یک رهبری صد در صد مورد اعتماد و امین، دارای شعارها، آرمان‌ها و اهدافی هستند که در راستای نیازها و خواسته‌های عموم مردم در حرکت می‌باشند و از دوام و ثبات نیز برخوردارند. با استفاده از همین بیانات امام (س) در تعریفی دیگر از تشکل‌های سیاسی می‌توان این گونه بیان کرد؛ تشکل‌های سیاسی عبارت از اجتماع گروهی از مردم با اهداف مشترک سیاسی که علاوه بر نداشتن سوابق مشکوک و شناخت درست از هویت جامعه، دارای آرمان‌های اساسی در ابعاد مادی و معنوی، تقوی و صداقت و درستی عمل، قدرت رهبری و اداره امور، استقامت و مبارزه در راه عقیده و همچنین دارای شرایط اساسی برای هدایت عموم مردم نیز می‌باشند.

امام^(س) طی یک سخنرانی در میان دانشجویان، خیزش مردم برای پیروزی را توأم با برنامه، هدف و وحدت حداکثری می‌داند که پس از پیروزی بر سلطنت، مکلف به حفظ آن هستیم.

برنامه قلیل‌المدت و عاجل - که حالا ما برایش مکلف هستیم - این است که با توجه به اینکه ما پیروزی که پیدا کردیم در اثر وحدت کلمه و اینکه همه اقشار با هم دست به دست هم و با فریاد واحد و آن اینکه ما این سلطنت کثیف را نمی‌خواهیم و ما یک سلطنت الهی، یک جمهوری الهی می‌خواهیم، می‌خواهیم احکام الهی در خارج تحقق پیدا کند، همه گفتیم جمهوری اسلامی، باید همین معنا را حفظ کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۵۵).

تعریفی که می‌توان از این بیانات به دست داد بدین ترتیب خواهد بود:

تشکل‌های سیاسی تجمع گروه و قشرهایی از مردم است که ضمن دارا بودن برنامه جایگزین و اهداف مشترک، از اتحاد حداکثری برخوردار بوده و دارای شعارهایی واحد نیز می‌باشند، که این حرکت خود را به مثابه یک تکلیف به شمار می‌آورند.

۳-۲. انواع تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام^(س)

در باب انواع تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام^(س) باید گفت که نوع‌بندی و یا گونه‌شناسی تشکل‌های سیاسی در این فضا، براساس ایدئولوژی، ماهیت و عقاید این تشکل‌ها تعیین و استوار می‌گردد. به عبارتی دسته‌بندی و نوع‌شناسی این تشکل‌ها ایده‌پایه بوده و نوع آن متناسب با عقیده و ایده‌ای که از خود بروز می‌دهند مشخص می‌گردد. در واقع انواع تشکل‌ها و احزاب در این نگاه طی یک رویه عقیدتی دسته‌بندی می‌شوند، به این ترتیب که امام^(س) انواع تشکل و حزب از زمان آغاز عالم هستی تا کنون را، به دو دسته کلی حزب الهی و حزب غیر الهی تقسیم می‌نماید. پرواضح است که نگرش امام^(س) به پدیده تشکل‌های سیاسی و همچنین سایر پدیده‌ها، و نوع دسته‌بندی که از این پدیده ارائه می‌نماید کاملاً متأثر از هستی‌شناسی ایشان است.

بدین ترتیب که توحید، محور اصلی هستی‌شناسی امام^(س) و بنیان جهان هستی ایشان به شمار می‌رود و ریشه اصل همه اعتقادات او در تمام ابعاد معرفت و اندیشه را شکل می‌دهد. پس همان‌گونه که در هستی‌شناسی اصل توحید را ملاک قرار می‌دهد، در سایر معارف و اندیشه‌ها نیز اصل توحید را به عنوان معیار برمی‌گزیند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

در موارد معدود و اندکی است که ایشان از انواع تشکل و تحزب نام می‌برد، اما در همین چند مورد، حزب را از آغاز عالم تا به حال، به دو گونه حزب الهی و حزب غیر الهی تقسیم می‌نماید. حزب الهی حزبی است که متعلق به الله بوده و در راه مستقیم الهی و به سوی خداوند در حرکت است. اما حزب غیر الهی متعلق به غیر خدا و شیطان بوده و برخلاف راه خداوند در حرکت می‌باشد.

پس به‌طور کلی می‌توان تشکل‌های سیاسی را در گفتمان امام^(س) به دو نوع و گونه کلی تشکل خوب و بد، و تشکل‌های مطلوب یا ایده‌آل و غیرمطلوب یا منحرف دسته‌بندی و احصاء نمود.

از اول عالم تا حال، دو حزب بوده است: یکی حزب الهی و یکی حزب غیر الهی و شیطانی. و آثار هر یک هم جدا بوده است و آنی که مال الله بوده، چون مقصد، خدای تبارک و تعالی است، به سوی او و در راه مستقیم است و آنکه برخلاف این راه بوده، که اکثریت هم با این‌هاست، حزب‌های شیطانی هستند، از صدر عالم تا حالا، زمان رسول الله هم بوده است و در زمان خودمان هم حزب رستاخیز را دیدید که مقصدشان معلوم بود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۱۹۱).

امام^(س) در جای دیگر به‌طور ضمنی به تقسیم‌بندی احزاب می‌پردازد و آن‌ها را حزب الله و حزب الشیطان می‌نامد:

میزان، ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد این حزب شیطان است، هر اسمی هم داشته باشد. بنابراین، ما باید کوشش کنیم که حزبمان را حزب الله کنیم، خودمان را جزء حزب الله قرار دهیم (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۱۹۴-۱۹۳).

انواع تشکل‌های مطلوب و منحرف در گفتمان امام^(س) نام‌های مختلفی به‌خود می‌گیرند که ایشان برای تشکل‌های مطلوب عناوینی چون حزب الله، حزب اسلام، حزب ملت مسلمان ایران و حزب مستضعفین، و برای تشکل‌های منحرف نیز عناوینی مانند حزب غیر الهی و حزب شیطان را برمی‌گزینند. حزب الهی، حزب غیر الهی و حزب شیطانی:

از اول عالم تا حال، دو حزب بوده است: یکی حزب الهی و یکی حزب غیر الهی و شیطانی (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۱۹۱).

حزب اسلام، حزب ملت مسلمان ایران؛

نهضت ملت ایران حدود و چهارچوب‌های حزبی را درهم شکسته است و به‌صورت یک حزب درآمده است و آن، حزب ملت مسلمان ایران یعنی حزب اسلام و «حزب الله» است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۴۳۸).

حزب مستضعفین؛

روز قدس یک روز اسلامی است، و یک بسیج عمومی اسلامی بود. و من امیدوارم که این امر مقدمه باشد از برای یک «حزب مستضعفین» در تمام دنیا. و من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید، و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۲۸۰).

۳-۳. مختصات و ویژگی‌های تشکل‌های سیاسی مطلوب و منحرف

پیش از هر چیزی باید به این اصل مهم در جهت شناخت خصوصیات و ویژگی‌های تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام^(س) توجه نمود که، مهم‌ترین معیار شناخت خصوصیات تشکل‌های سیاسی مطلوب یا منحرف، ایده آن‌هاست، که آن ایده در راستای اسلام و دستورات الهی است، یا که در خلاف جهت خواست الهی و یا به‌عبارتی شیطانی است. پس در این فضای گفتمانی اگر معیار و میزان شناخت صحیح تشکل‌های سیاسی را ایده آن‌ها قرار دهیم، به‌راحتی می‌توانیم به مطلوب یا غیرمطلوب بودن آن‌ها پی ببریم و به سنجش مطلوب یا منحرف بودن یک تشکل سیاسی با دیدگاه‌های امام^(س)

بپردازیم، و دیگر تفاوتی نمی‌کند که این تشکل متعلق به دوران حیات امام (س) باشد یا پس از آن دوران.

تشکل‌های سیاسی مطلوب

در گفتمان امام (س) یکی از خصوصیات و ویژگی‌های مناسب و ضروری تشکل‌های سیاسی مطلوب یا ایده‌آل که در جاهای گوناگون تأکید فراوانی هم بر آن می‌شود، وحدت و انسجام آن است و در سایه این ویژگی است که دشمنی‌ها کنار رفته و نظرات افراد جهت پویایی آن گروه یکی و منسجم می‌شود: و این یک گروهی که شما داشتید، همه یک حزب کانه بودید همه حزب خدا بودید، آن را می‌خواهند از دستمان بگیرند. این وحدت را می‌خواهند از دستمان بگیرند. یک جمعیتی هرچه افرادش زیاد باشد، اگر این جمعیت با هم منسجم نشوند، یک نحو وحدت پیدا نکنند، آسیب برمی‌دارند. اصلاً خودشان آسیب خودشان می‌شوند... اگر وحدت داشته باشند، هر چه وحدت زیادتر باشد، آسیب کمتر می‌شود. در راه که ما بودیم، این نهضتی که داشتیم در اول راه، این وحدت و این انسجام زیاد بود، محکم بود. یعنی اصل فکر اینکه «کی دشمن من است» هم نبود تو کار. همه یک نظر بود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۵۱۹).

افزون بر دارا بودن روحیه اسلامی، خدمت کردن به مردم کشور، مفید بودن به حال مملکت و ترمیم نابسامانی‌ها و خرابی‌ها نیز از جمله ویژگی‌هایی است که امام (س) آن را جزء تشکل‌های سیاسی مطلوب به‌شمار می‌آورد.

ما می‌خواهیم این گروه‌ها همه برگردند یک گروه بشوند، و آن گروه گروه اسلامی که برای این مملکت مفید باشند؛ خدمت بکنند به این کشور؛ این نابسامانی‌هایی که هست، آن خراب‌هایی که هست، ترمیم بکنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۲۶۶).

برخورداری از پیش سیاسی گروه‌های سیاسی در گفتمان امام (س) از جمله ویژگی‌های مطلوب تشکل‌های سیاسی است که می‌تواند آن‌ها را از بند گرفتارشدن در راه غلط و ناصواب برهاند. در واقع

امام^(س) با ذکر یک مثال، هدف اصلی - که همانا مصلحت آن کشور می‌باشد - احزاب موجود در کشورهای دیگر را که بدون هیچ‌گونه مخالفتی با یکدیگر به خدمت کشور خود می‌پردازند، تبیین و شفاف بیان می‌فرماید:

هیچ وقت نخواهید دید که دو حزب در امریکا باشد که یکیشان یا هر دویشان برخلاف مصلحت امریکا عمل کنند. شما دیدید که در همین چند وقت، این مخالفتی که بین دو حزب در امریکا بود و می‌خواستند یک دسته‌ای، یک نفر را برای خودشان رئیس جمهور کنند آن دسته هم یکی دیگر را، بعد از آنکه آن یکی برد قضایه را و رئیس جمهور شد، آن حزب دیگر نیتادند به جان او و کارشکنی کنند! تبریک گفتند، و بلا اشکال مشغول خدمت هستند برای کشور خودشان و با وحدت کلمه کشور خودشان را پیش می‌برند. اما در ممالکی که توجه به مسائل ندارند و دیدهای سیاسی ندارند، این‌ها چنانچه گروه‌هایی درست کنند یا احزابی درست کنند، این طور نیست که بعد از آنکه کاندیدای یک حزبی در یک امری پیش برد، دیگران بیایند تبریک بگویند و کمک کنند او را؛ دیگران مخالفت می‌کنند و کارشکنی می‌کنند. باید این ملت بیدار بشود. باید این سران و دولتمردان شرم سیاسی پیدا کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۴۸).

امام^(س) در پاسخ به این سؤال که شما چه معیارهایی را برای یک تشکیلات شایسته مقرر می‌فرمایید و همچنین چه معیارهایی را مقرر می‌نمایید که نشان‌دهنده شایستگی و لیاقت گروه‌ها باشد که پس از پیروزی، هدایت مردم می‌تواند به عهده آن‌ها باشد، به ویژگی‌هایی چون رهبر مورد اعتماد و امین، برخورداری از شعارها و آرمان‌های برآمده و منطبق با خواسته‌های مردم، و همچنین نداشتن سوابق مشکوک به منظور هدایت مردم، شناخت صحیح از هویت جامعه ایرانی، تقوی، صداقت و راستی در عمل و پایداری در راه عقیده اشاره می‌نماید:

برخورداری از یک رهبری صد در صد مورد اعتماد و امین، داشتن شعارها و آرمان‌هایی که کاملاً تجسم‌دهنده خواسته‌های عموم مردم باشد، از معیارهای ضروری و اولیه است؛... نداشتن سوابق مشکوک و شناختن درست هویت جامعه ایرانی و

آرمان‌های اساسی آن‌ها در ابعاد مادی و معنوی، تقوی و صداقت و درستی در عمل، قدرت رهبری و اداره امور و استقامت در مبارزه برای عقیده، شرایط اساسی برای هدایت مردم است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۴۳۵).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات تشکل‌های سیاسی ایده‌آل و مطلوب که در گفتمان امام (س) اهمیت فراوانی می‌یابد، پذیرش جمهوری اسلامی و در مسیر ملت بودن آن‌هاست. بدین ترتیب که نشانه در مسیر بودن تشکل‌ها یا انحراف آن‌ها، پذیرش جمهوری اسلامی بوده و کم و زیاد کردن عنوان جمهوری اسلامی مشخصه جدا شدن از مسیر ملت است:

همه گفتیم جمهوری اسلامی، باید همین معنا را حفظ کنیم و در خلال این معنا یک توجه خاصی همه ملت ایران به جمعیت‌هایی که در شرف تشکیل هستند، یا تشکیل شدند و دارند تشکیلات خودشان را بیشتر می‌کنند، یک توجهی به این‌ها بکنیم ببینیم که این‌ها مسیرشان مسیر ملت است یا مسیرشان با ملت فرق دارد... اگر این جمعیت‌هایی که حالا در شرف تکوین است یا تکوین شده است و دارند تقویت می‌کنند خودشان را، و مردم را از اطراف جذب می‌کنند، اگر این‌ها هم همین مطلب را بگویند جمهوری اسلامی، مضایقه‌ای نیست از اینکه این‌ها ... هر کدام یک اجتماعی داشته باشند؛ ملت هم با آن‌ها، آن‌ها هم با ملتند... این‌هایی که می‌گویند جمهوری، «اسلامی» را دنبال آن نمی‌گذارند- و فقط این دو کلمه، که من از اول فریاد زدم که ما همین دو کلمه را می‌خواهیم: «جمهوری اسلامی»- اگر دیدید یک کلمه‌ای اضافه شد، بدانید مسیرشان با شما مختلف است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۵۶-۴۵۵).

تشکل‌های سیاسی منحرف

امام^(س) از جمله ویژگی‌ها و خصوصیات احزاب و تشکیلات سیاسی منحرف را در مواردی چون مضر بودن به حال مملکت، طرح‌ریزی شده و دست‌نشاندهی توسط اجانب می‌داند و در این باب معتقد است:

من گمان می‌کنم که از اول که احزاب پیدا شده است در امثال ایران، این یک طرحی بوده است از خارج. آن‌ها احزاب دارند، آن مملکت‌های دیگر، لکن احزابی که آن‌ها دارند فرمش یک جور دیگر است. این طور نیست که یک کاری بکنند که برای کشورشان مضر باشد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۴۹۰).

از دیگر ویژگی‌های تشکل‌های سیاسی منحرف در گفتمان امام^(س) را می‌توان به مواردی چون قرار گرفتن در مقابل نهضت و اسلام اشاره نمود:

گروه‌های مختلف؛ دستجات مختلف؛ احزاب مختلف؛ هر کسی یک طرفی یک گروهی درست کرد؛ بسیاریشان در مقابل نهضت و در مقابل اسلام، و بسیاری هم اسم این را نمی‌برند، لکن واقعش همین طور است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۳۹۶)

از دیگر ویژگی‌ها و خصوصیات گروه‌های سیاسی منحرف و نامطلوب در گفتمان امام^(س) این است که جهت تضعیف یکدیگر دست به هر کاری می‌زنند و تلاش می‌کنند که کشور اسلامی تضعیف شود، و این موارد تأسف بار ناشی از عدم تعهد اسلامی و دید سیاسی این تشکل‌هاست. حتی امام^(س) معتقد است که اگر تعهد اسلامی در میان گروه‌ها جریان ندارد، حداقل با دید سیاسی عمل نمایند:

یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش؛ و یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش؛ و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی. این‌ها برای این است که تعهد اسلامی نیست، و دید سیاسی هم نیست. شماها اگر مُسلم هستید، به احکام اسلام عمل کنید. و اگر خدای نخواستہ تعهد اسلامی را قبول ندارید، با دید سیاسی مسائل را حل کنید. این کارها که انجام می‌گیرد و این قلم‌ها و این قدم‌ها و این گفتارها از سیاست به دور است؛ با یک دید غیرسیاسی و غیراسلامی است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۴۹).

خیانت به مملکت و عمالِ اغیار و بیگانگان بودن را باید از دیگر خصائص یک تشکل سیاسی منحرف در گفتمان امام (س) برشمرد. به عبارتی سرسپردگی گروه‌ها به اجانب در این گفتمان یکی از قبیح‌ترین ویژگی‌هایی است که می‌تواند عنوان منحرف بودن را به آنان بدهد، چرا که اولین پیامد این سرسپردگی، خیانت به مردم است:

حالا ما از این جمعیتی که با صورت‌های مختلف افتاده‌اند توی مردم، نمی‌گذارند شما کارتان را انجام بدهید، ما از این‌ها می‌پرسیم، که خوب، ما می‌خواهیم برای ضعفا، برای آن‌هایی که خانه ندارند، برای آن‌هایی که نمی‌توانند خانه تهیه کنند، برای این زاغه‌نشین‌های اطراف تهران- که وضعشان این طوری است- می‌خواهیم خانه درست کنیم؛ آقایان هم می‌خواهید که کمک کنید و یک طوری آن قدری که بتوانید تخفیف بدهید و کمک بکنید... خوب، اگر برای ملت می‌خواهید کار بکنید، ما داریم کار می‌کنیم؛ بیایید شما هم کمک بکنید. این‌ها خائند آقا! این‌ها دستشان- دست اربابانشان- از مملکت ما کوتاه شده، می‌خواهند که دست آن‌ها را باز بکنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۳۰۳)

از دیگر ویژگی‌هایی که جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی منحرف در گفتمان امام (س) فقدان تعهد به دین، اسلام و جمهوری اسلامی است:

اگر این جمعیت‌هایی که حالا در شرف تکوین است یا تکوین شده است و دارند تقویت می‌کنند خودشان را، و مردم را از اطراف جذب می‌کنند، اگر این‌ها هم همین مطلب را بگویند جمهوری اسلامی، مضایقه‌ای نیست از اینکه این‌ها ... هر کدام یک اجتماعی داشته باشند؛ ملت هم با آن‌ها، آن‌ها هم با ملتند. اما اگر دیدید که در حرفه‌ایشان از خدا خبری نیست، از اسلام هم خبری نیست، هیچ به جمهوری اسلام فکر نمی‌کنند، هیچ دمی نمی‌زنند از جمهوری اسلامی، از آنکه ملت همه با هم رأی دادند به اتفاق کلمه که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم، اگر شما دیدید که این جمعیت‌هایی که الآن مشغول فعالیت هستند، جمهوری که می‌گویند، یا «جمهوری»

می‌گویند یا «جمهوری دمکراتیک» می‌گویند یا «جمهوری دمکراتیک اسلامی»، اگر این‌ها جمهوری گفتند، این همان معنایی است که دشمن‌های ما می‌خواهند، دشمن‌های ما از جمهوری نمی‌ترسند، از اسلام می‌ترسند. از جمهوری صدمه ندیدند، از اسلام صدمه دیدند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۵۶-۴۵۵).

برای شناخت گروه‌ها می‌بایست به عملکرد آن‌ها دقت نمود. حال اگر این‌ها غائله و اغتشاش به پا کنند می‌توان آن‌ها را جزء تشکل‌های منحرف به حساب آورد، زیرا در گفتمان امام^(س) به راه انداختن غائله از خصوصیات تشکل‌های منحرف محسوب می‌شود:

از اول تا حالا غائله بپا کردند، این گروه‌های مخالفی که هرکدام یک اسمی برای خودشان درست کرده‌اند می‌غائله بپا کردند که نگذارند شما آن مسیری را که باید، بروید، آن صراط مستقیمی را که باید، بروید، آن چیزی را که خدای تبارک و تعالی پیش پای شما گذاشته است، باید، بروید؛ نگذارند این کار بشود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۴۶۴).

مخالفت با مصالح مملکت و مصلحت ملت نیز از دیگر ویژگی‌های تشکل‌ها و احزاب سیاسی است که منحرف بودن آنان را مورد تأیید قرار می‌دهد.

همه مردم آزادند مگر حزبی که مخالف با مصلحت مملکت باشد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۵۲۰).

همه احزاب در ایران آزاد خواهند بود مگر آنکه مخالف با مصالح ملت باشد؛ در آن صورت از فعالیت آن‌ها جلوگیری می‌شود (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۵: ۵۴۰).

موارد متعدد دیگری هستند که همگی از ویژگی‌ها و خصوصیات منحرف بودن تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی در گفتمان امام^(س) می‌باشند که به دلیل گسترده بودن مبحث فقط به ذکر اهم آن‌ها از زبان شیوای امام^(س) اکتفا می‌نماییم.
توطئه علیه مملکت:

در مملکت ما هم وقتی که این فتح بزرگ به دست شما زن‌ها و مردهای محترم انجام گرفت، همه چیز را آزاد گذاشتند: تبلیغات را آزاد گذاشتند، مکتب‌ها را آزاد

گذشتند بهطوری که در این چند ماه تقریباً حدود دویست تا شاید گروه‌های مختلف اظهار وجود کردند! حتی کمونیست‌هایی که فاسد و مفسدند اظهار وجود کردند. لکن بعد از آنکه ما احساس بکنیم که این‌ها اظهار وجودشان فقط برای تبلیغ نیست، فقط برای این نیست که می‌خواهند مکتب خودشان را عرضه کنند، بلکه مسئله، مسئله توطئه است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۲۹۰-۲۸۹).

مخالفت با اسلام:

ما الآن گرفتار یک مشت اشخاص مختلف السلیقه و مختلف العقیده‌ای که همه در این معنا که نخواهند این مملکت به سر و سامان برسد شریک‌اند. در عقاید مختلف‌اند، بعضی گروه‌هاشان با بعضی گروه‌های دیگر دشمن هم هستند، لکن در یک چیز موافق‌اند، و آن اینکه مخالفت با اسلام! مخالفت با آن چیزی که همه ملت ما به آن رأی دادند، در این این‌ها موافق‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۴۰۸).

متزلزل کردن جمهوری اسلامی:

اینک باز تفاله‌های رژیم خونخوار سابق درصددند که با کمک و همکاری گروهک‌های واپسزده و قلمداران غرب و شرق زده، تجدید حیات کنند و با قلم‌های به ظاهر خلقی و زبان‌های فریبنده، در خارج و داخل، جمهوری اسلامی را متزلزل کنند و در جهان، جمهوری ما را رژیمی ظالمانه و بدتر از رژیم پهلوی معرفی کنند و افکار عمومی را مشوش و به ابرقدرت‌ها مشروعیت دخالت در امور کشور دهند (امام خمینی، ج ۱۵، ۳/۱۴، ۱۳۶۰/۲۶۰۰/۳۶۰/۱۴، <http://www.jamaran.ir/fa/2600>).

مخالفت با قانون اساسی:

چند هفته‌ای که مسئله قانون اساسی در پیش آمده است، و مخالفین اسلام و مخالفین شما خوف این را دارند که قانون اساسی طوری تنظیم بشود و تصویب بشود که دست آن‌ها برای همیشه کوتاه بشود... این شلوغی‌هایی که الآن در کردستان هست، در خوزستان هست، و این اختلافاتی که در همه جاهای مملکت هست، و این توطئه‌هایی که برای ایجاد یک خلاف، برای هیاهو بپا کردن هست، معلوم نیست که مین باب

اتفاق همین طور شده باشد. این یک نقشه‌ای است از آن‌هایی که می‌خواهند قانون اساسی اسلامی نباشد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۱۱۱).

نقض قانون:

«بعضی از احزاب سیاسی» یا قانون اساسی را نگاه نکرده‌اند و به خودشان زحمت ندادند که قانون اساسی را نگاه کنند و روی آن مقاصد فاسدی که دارند، شروع کردند حرف می‌زنند. و یا دیده‌اند و عمداً می‌خواهند خلاف بگویند. اصل بیست‌وششم از قانون اساسی موجود، این قانون اساسی ما، احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و انجمن‌های اسلامی، اقلیت‌های مذهبی آزادند. و شرط این است که توطئه نکرده باشند برای اینکه مملکت ما را، ملیت ما را، جمهوری اسلامی ما را نقض کنند. این متن قانون اساسی است. لکن گرفتاری که ما از این، بعضی از این احزاب سیاسی، بعضی از این‌ها که منحرف‌اند... شروع کردند کارشکنی... (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۱۴۷-۱۴۶).

مخالفت با روحانیون در مسیر ملت:

بینید چه جمعیت‌هایی هستند که روحانین را می‌خواهند کنار بگذارند؛ همان طوری که در صدر مشروطه روحانی کار را کرد و این‌ها زدند و کشتند، ترور کردند. همان نقشه است. آن وقت ترور کردند سید عبد الله بهبهانی را، کشتند مرحوم نوری را و مسیر ملت را از آن راهی که بود برگرداندند به یک مسیر دیگر، همان نقشه الآن هست که مطهری را می‌کشند؛ فردا هم شاید من و پس فردا هم یکی دیگر را (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۵۹).

اهانت به مراجع:

شاید از همین مناقین و از همین منحرفین باشند که نسبت به بعض مراجع اهانت می‌کنند و این خودش مبدأ یک اختلافی می‌شود با اسم اینکه من با فلان مرجع یا فلان شخص دوستم. با این اسم، می‌خواهند یک روحانی بزرگ را اهانت کنند و این مبدأ بشود که دودستگی پیدا بشود در کشور. و این از امور مهمی است که باید

جلوگیری بشود. آقایان در هر جا یک همچو چیزی دیدند و همین طور آقایان بلاد هر جا که هستند، ائمه جمعه - خصوصاً - احساس این معنا را کردند که می‌خواهند این‌ها یک کار اختلاف‌انگیز و فتنه‌انگیز ایجاد کنند، خودشان جلویش را بگیرند (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۵: ۳۷۹).

فعالیت علیه انقلاب:

این گروه‌های مختلفی که مثل قارچ از زمین جوشیدند و آمدند و از اطراف کشورهای دیگری که متفرق در آنجا بودند و منتظر فرصت بودند، حالا آمدند به ایران و می‌خواهند نگذارند این انقلاب تحقق پیدا بکند. این یک خطری است از برای انقلاب ما. نه به آن معنا که این‌ها عرضه این را داشته باشند که یک کار مثبتی بکنند و این انقلاب را برگردانند، لکن به آن معنا که ایجاد زحمت بکنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۴۵۷).

سوء استفاده از آزادی:

ما می‌خواستیم و آقایان می‌خواستند که بعد از انقلاب هم خیلی با ملایمت رفتار کنند، آزاد کردند، مرزها را باز گذاشتند، آزاد کردند همه را، قلم‌ها را آزاد کردند، گفتارها را آزاد کردند، احزاب را آزاد کردند، به خیال اینکه این‌ها یک مردمی هستند که لااقل اگر مسلمان نیستند؛ آدم هستند... نمی‌توانند بگویند که شما آزادی ندادید. ما آزادی دادیم، سوء استفاده شد و دیگر آزادی نخواهیم داد. آزادی به آن معنا که این‌ها بخواهند، خرابکاری بکنند این آزادی نخواهد داده شد. آزادی در حدودی که قوانین اقتضا می‌کرد؛ در حدودی که اسلام به ما اجازه می‌دهد. اسلام اجازه نمی‌دهد که ما آزاد بگذاریم که هر کس هر غلطی بخواهد بکند؛ هر توطئه‌ای می‌خواهد بکند؛ هر کاری می‌خواهد بکند که بکشد به خاک و خون (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۲۹۷).

سوء استفاده از جوانان:

این گروه‌هایی که مع‌الأسف عده‌ای از جوانان ما و بچه‌های عزیز را که این‌ها باید برای میهن خودشان و اسلام خودشان عمل کنند بازی می‌دهند و بر ضد این انقلاب

اسلامی، که دست قدرت‌ها را از این کشور قطع کرده است، بسیج می‌کنند و در خیابان‌ها می‌آورند و در مقابل ملت می‌خواهند بایستند در اشتباه‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۴۸۳).

قدرت‌طلبی و طرفداری از ابرقدرت‌ها:

تأثر دیگر اینکه این گروه‌های منحرف و این اشخاصی که طرفدار ابرقدرت‌ها هستند و می‌خواهند همان وضع سابق را پیش بیاورند یا درصدد قدرت‌طلبی هستند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۴۴۱).

قیام مسلحانه:

شما الآن می‌بینید که بعضی احزابی که انحرافی هستند و ما آن‌ها را جزء مسلمین هم حساب نمی‌کنیم، مع ذلک، چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند به طور آزاد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۳۴۳).

مواردی که ارائه گردید از مهم‌ترین ویژگی‌های تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی منحرف بود که با توجه به شفافیت در کلام امام^(س)، به وضوح می‌توان به خصوصیات انحرافی این گروه‌ها پی برد و چون دامنهٔ بینش و دید سیاسی امام^(س) به دوران پس از ایشان نیز مربوط می‌شود و صرفاً محدود به همان دوران نیست، می‌توان تشکل‌ها و احزاب سیاسی کنونی را نیز به محک و سنجش این خصوصیات و ویژگی‌ها سپرد.

نتیجه

گفتمان سیاسی امام^(س) با محوریت، مرکزیت و بر پایهٔ اسلام بنا می‌گردد و در این فضا، موضوع تحزب و تشکل سیاسی قابل ترسیم و سنجش است. اگر بخواهیم تعریفی از تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام^(س) ارائه بدهیم، می‌توان گفت: تشکل سیاسی عبارت است از اجماع و گردهمایی مردمی که علاوه بر برخورداری از یک رهبری صد در صد مورد اعتماد و امین، دارای شعارها، آرمان‌ها و اهدافی هستند که در راستای نیازها و خواست‌های عموم مردم در حرکت می‌باشند و از دوام و ثبات نیز

برخوردارند. یا در تعریفی دیگر تشکل‌های سیاسی عبارت از اجتماع گروهی از مردم با اهداف مشترک سیاسی که علاوه بر نداشتن سوابق مشکوک و شناخت درست از هویت جامعه، دارای آرمان‌های اساسی در ابعاد مادی و معنوی، تقوی و صداقت و درستی عمل، قدرت رهبری و اداره امور، استقامت و مبارزه در راه عقیده و همچنین دارای شرایط اساسی برای هدایت عموم مردم نیز می‌باشند.

پذیرش یا عدم پذیرش تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام (س) مسئله دیگری است که در این پژوهش مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت که با استناد به جملات متعدد امام (س) می‌توان ادعای پذیرش و تأیید تشکل‌های سیاسی را در گفتمان و اندیشه ایشان به اثبات رساند. اما مرکزیت و توجه اصلی مربوط به تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام (س) بر روی ماهیت، روش‌های عمل، و ایده‌ها و افکار و گرایش‌های آن‌ها است، به گونه‌ای که پذیرش و تأیید یا رد و به حاشیه‌رانی تشکل‌های سیاسی به ماهیت و ایده آن‌ها و روش‌ها و گرایش‌های آن‌ها مربوط می‌شود.

در مورد گونه‌شناسی انواع تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام (س) باید گفت که گونه‌شناسی تشکل‌های سیاسی در این فضا، براساس ایدئولوژی و عقاید و گرایش‌های تشکل‌ها استوار و معین می‌گردد. به عبارتی دسته‌بندی و نوع‌شناسی این تشکل‌ها هم ایده پایه است و هم به روش‌های عمل و گرایش‌های آن‌ها بستگی دارد. بر مبنای ایده و عقیده حضرت امام (س) انواع تشکل و تحزب از زمان آغاز عالم هستی تا کنون را به دو دسته کلی حزب الهی و حزب غیر الهی تقسیم می‌نماید. حزب الهی حزبی است که متعلق به الله بوده و در راه مستقیم الهی و به سوی خداوند در حرکت است. اما حزب غیر الهی متعلق به غیر خدا و شیطان بوده و برخلاف راه خداوند در حرکت می‌باشد. در واقع انواع تشکل‌های مطلوب و منحرف در گفتمان امام (س) نام‌های مختلفی به خود می‌گیرند که ایشان برای تشکل‌های مطلوب عناوینی چون حزب الله، حزب اسلام، حزب ملت مسلمان ایران و حزب مستضعفین، و برای تشکل‌های منحرف نیز عناوینی مانند حزب غیر الهی و حزب شیطان را برمی‌گزیند. به طور خلاصه از جمله ویژگی‌های تشکل‌های سیاسی مطلوب عبارت‌اند از:

وحدت و انسجام تشکل‌های سیاسی، خدمت به مردم کشور، مفید بودن به حال مملکت، ترمیم نابسامانی‌ها و خرابی‌ها، برادری، بینش سیاسی، نداشتن سوابق مشکوک، شناخت صحیح از هویت جامعه ایرانی، تقوی، صداقت و راستی در عمل و پایداری در راه عقیده و... می‌باشد.

ویژگی‌های تشکل‌های سیاسی منحرف نیز عبارت‌اند از:

مضر بودن به حال مملکت، دست‌نشاندهٔ اجانب، قرار گرفتن در مقابل نهضت و اسلام، شکل‌گیری برخلاف تعلیمات اسلامی، تضعیف کشور اسلامی، عدم تعهد اسلامی، انجام هر اقدامی جهت تضعیف یکدیگر، خیانت به مملکت و اعمال اغیار و بیگانگان بودن، سلب آرامش و خیانت به ملت، متزلزل کردن جمهوری اسلامی، توطئه علیه مملکت، مخالفت با قانون اساسی و... .

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشر نی.
- آقابخشی، علی. (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم سیاسی، ویراست سوم، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- امام خمینی (س)، روح‌الله. (۱۳۲۳)، کشف الاسرار، بی‌جا: نشر ظفر.
- _____ . (۱۳۷۹) صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی، جلد ۱۴، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۲)، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، چاپ دوم، تهران: سروش.
- بادام‌چیان، اسدالله. (۱۳۸۸)، آنچه درباره حزب و تشکل باید بدانیم، تهران: اندیشه ناب.
- _____ . (۱۳۸۹)، تحزب و تشکل از دیدگاه علمی و تاریخی، تهران: اندیشه ناب.
- تبریزنیا، حسین. (۱۳۷۱)، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران: مرکز نشر بین‌الملل.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- حسینی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نی.
- عمید، حسن. (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.

- قیصری، نورالله. (۱۳۸۵)، «گفتمان سیاسی حضرت امام (س) و گفتمان‌های رقیب»، فصلنامه متین، شماره ۳۰، صص ۱۸۳_۱۴۵.
- مصطفوی، حسن. (بی تا)، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران: مرکز نشر کتاب.
- معین، محمد. (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- مک دانل، دایان. (۱۳۸۰) مقدمه ای بر نظریه‌های گفتمان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
- میلز، سارا. (۱۳۸۲)، گفتمان، زنجان: هزاره سوم.
- نرم‌افزار مجموعه آثار حضرت امام خمینی (س)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- وان دایک، تئون ای. (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هیوود، اندرو. (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نی.
- Borgatta, Edgar a Marie (ed), (1992), Encyclopedia of sociology, (New York: Mac Millan)
- Epstein, L. D. (1967), Political parties, (New York: John Willey)
- <http://www.jamaran.ir/fa/2600>
- Lapalombara, Joseph and Myron Weiner, Political Parties and Political Development, Princeton university press.
- Law Son, Kay (ed.) (1980), Political Parties and Linkage (New Haven, conn: Yale u. p.)
- Sartori, Goyanni, (1976) Parties and party system: A framework for Analysis (Cambridge: Cup)
- Schum Peter, Joseph, (1975) Capitalism, Socialism, and Democracy, (New York: Harper Colophon)
- Weber, Max (1968), Economy and Society (Berkeley and Los angeles: University of California press)